

روایت عماد افروغ از انقلاب فرهنگی در گفت‌وگو با «شرق»

اگر جمهوریت را پذیرفتیم باید تحول را هم بپذیریم



به گزارش سرویس بین‌الملل شرق،

سیدمسعود آریادوست: عماد افروغ ضمن انتقاد از برخی از عوامل «انقلاب فرهنگی»، معتقد است شورای انقلاب فرهنگی دیالکتیک لازم بین جامعه و دانشگاه و حتی حوزه را منقطع کرده‌اند که همین موضوع باعث شده ارتباط بامعنایی میان جامعه، دانشگاه و حوزه نباشد. این جامعه‌شناس از جریان غیبت یک‌ساله‌اش در شورای انقلاب فرهنگی در دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد نیز سخن گفت. به گفته او، در آن دوران بدون واکاوی عمیق موضوعات و بی‌توجهی به برخی موضوعات، اصطلاحاً با یک صلوات صرف یک مصوبه نهایی می‌شد. برای بررسی جزئیات آنچه در روند انقلاب فرهنگی گذشت ساعتی را با عماد افروغ به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

❧ در طول تاریخ انقلاب اسلامی، ما با مفهوم انقلاب فرهنگی مواجه می‌شویم. ضمن براندازی یک حکومت دیکتاتوری و بررنگ‌شدن جمهوریت، چه نیازی به انقلاب فرهنگی بود؟

من تغایری بین جمهوریت و تحول نمی‌بینم. نه‌تنها تغایری وجود ندارد، بلکه نسبتی ماهوی بین آنها می‌بینم. رابطه‌ای منطقی – علی بین جمهوریت و تحول وجود دارد. جمهوریت به عرصه مردم بازمی‌گردد. مردم در عرصه علت و علیت تعریف می‌شوند. اگر قرار است ما جمهوریت را بپذیریم، باید تحول را هم بپذیریم؛ چراکه تحول به مردم و نیازهای متغیر آنها بازمی‌گردد. به‌هرحال خواسته‌ها و مطالبات مردم صرفاً یک سری نیازهای ثابت و تعریف‌شده نیست؛ این خواسته‌ها می‌تواند دستخوش انبساط‌ها و تغییرات زمانی شود؛ بنابراین هیچ تغایری در این زمینه وجود ندارد. اگر جمهوریت را بپذیرفتیم، باید تغییر را هم بپذیریم؛ اما ممکن است این سخن درباره اسلامیت آن، متفاوت است. اسلام یک ایدئولوژی است و تفاسیر خاص و مشخصی دارد؛ بنابراین ممکن است یک تفسیر خاص از اسلام، با تغییر و تحول چندان همخوانی نداشته باشد. ولی جمهوریت به‌هرحال با تغییر همراه است.

❧ یعنی بین جمهوریت با انقلاب فرهنگی هیچ تغایری وجود ندارد؟

خیر؛ چرا باید وجود داشته باشد؟

❧ به‌هرحال انقلاب فرهنگی باعث برخی محدودیت‌ها شد و این برخلاف آن جمهوریت ادعاشده است.

این بحثی دیگر است. این موضوع به شیوه اعمال و اجرای آن بازمی‌گردد. علی‌الاصول و در زیربن‌ترین

سطح، اگر کسی به جمهوریت اعتقاد دارد، به تغییر نیز عنایت دارد. این تغییر هم صرفاً برای یک بار نیست. در مقطعی ممکن است مردم مطلبی را خواهان باشند و انتخاب پیشین خود را تغییر دهند؛ بنابراین این انتخاب‌ها برخاسته از نیازهای آنهاست؛ نیازهایی که محقق نشده و باید محقق شوند. بر این اساس، یک سازگاری مطلق وجود دارد. اینجا بحث فلسفی عمیقی وجود دارد؛ یک بحث مربوط به علت است و دیگری دلیل. بحث علت به مردم بازمی‌گردد. آنچه مشمول تغییرات زمانی و مکانی می‌شود، به عرصه مردم یا همان علیت اختصاص دارد. به لحاظ جوهری، تغایری وجود ندارد؛ منتها اینکه متولیان چگونه پیام مردم و جمهوریت را می‌شنوند و در نهایت آن را اعمال می‌کنند، بحث دیگری است. نکته دیگری که مهم‌تر تلقی می‌شود، این است که عموماً انقلاب عبارت است از نوعی حالت تغییر. حال سؤال این است که آیا تغییر در فرهنگ امکان‌پذیر و مطلوب است یا خیر؟ اگر فرهنگ را لایه‌مند بدانیم و لایه بینشی یا لایه جهان‌بینی یا هستی‌شناسی را به‌عنوان زیربن‌ترین لایه بنگریم، سپس لایه ارزش‌شناسی را لایه دوم، هنجارشناختی را لایه سوم و نماد را لایه چهارم و... آن‌گاه خواهیم دانست که طرح این سؤال مانند طرح این مسئله است که آیا تغییر در بینش، در نهایت در رفتار انسان هم اثر دارد یا خیر؟ مشخصاً اثر دارد. پس اگر اثر دارد و فرهنگ هم مربوط به جامعه انسانی می‌شود، فرهنگ یک جامعه می‌تواند بازدارنده یا پیش‌برنده باشد؛ یعنی می‌تواند اسارت‌بخش یا نجات‌بخش باشد. فرهنگی که اسارت‌بخش است، باید

جای خود را به فرهنگ نجات‌بخش بدهد.

❧ سؤال اینجااست که آیا جمهوریتی که در سیاست‌های کلان کشور سراغ داریم، هم‌سنخ با انقلاب فرهنگی بود یا نه؟

اینجا سؤال دیگری مطرح می‌شود. اینکه جمهوریت منتخب، میانه‌اش با انقلاب فرهنگی محقق شد و آیا در راستای خواسته مردم و نیازهای مردم بود یا خیر؟ اگر بود در چه مقطعی بود؟ و آیا کمآکان این ارتباط وجود دارد یا خیر؟ این هم سؤال دقیقی است. ببینید؛ انقلاب اسلامی ما درواقع یک نرم‌افزار است که از همان ابتدا ابعاد مختلف و شعارهای مختلف داشت. اگر بخواهم خیلی مجمل به سؤال شما پاسخ بدهم، باید گفت انقلاب ما حداقل این چند شعار را داشت: آزادی، عدالت، اخلاق و معنویت. می‌توان گفت فرهنگ انقلابی، عبارت از این موارد بود. این مفاهیم همان ارزش‌های اصیل انقلاب بودند. ارزش‌ها هم بخشی از فرهنگ جامعه هستند. مردم خواهان این مجموعه ارزش‌ها بودند. مردم خواهان عدالت اجتماعی، اخلاق، معنویت، صداقت، احسان، ایثار و ... در جامعه بودند. این به آن معناست که منتخب مردم، حق خروج از دایره تعیین‌شده را ندارد. مردم می‌گفتند در صورت انتخاب هر نوع ارزشی، باید در آن نقش داشته باشند؛ سیاست‌مداران یک‌طرفه نباید حرکت کنند. باید به تغییرات زمانی و مکانی توجه شود. این از خواسته‌های مردم بود. اما طی تاریخ و با رخدادهایی که اتفاق افتاد، آیا شاهد گفت‌وگو با مردم بودیم؟ به عبارتی باید پرسید سندهایی که در شورای‌عالی انقلاب فرهنگ

تنظیم و سپس نهایی می‌شود، فرایند دیالکتیک دلیل و علت را دنبال کرده یا خیر؟ آیا این سندها صرفاً ذهنی – انتزاعی هستند یا انضمامی – انتزاعی؟ به نظر می‌رسد از تمام اندوخته‌ها، سرمایه‌ها و قابلیت‌های نخبکی برای تنظیم اسناد استفاده نشده است.

❧ تنازعات اول انقلاب، به‌خصوص مبارزات حین انقلاب فرهنگی را می‌توان دال بر این سخن شما دانست؟

البته در پاسخ به این سؤال‌های کلیدی، نباید برخورد سیاسی کنیم. نباید اسیر تندباد حوادث شویم...

❧ اما در آن دوران قشر عظیمی از جامعه درگیر بودند.

آن چیزی که تحت عنوان انقلاب فرهنگی تعریف شد، بیشتر به صورت یک عملکرد تحول‌خواهانه در نظام آموزشی مطرح شد. به‌هرحال قرار بود اتفاقاتی رخ دهد. اینکه آن اتفاقات نهایتاً چگونه رخ داد، خود جای تشریح دارد. در آن زمان، یک جریان فکری روشنفکری باعث پیروزی انقلاب شده بود. عموم روشنفکران خواسته‌هایی داشتند. حداقل وجه مشترکشان ایزجار از تفکر غرب‌زده بود. البته تا حدودی شرق‌زدگی جریان داشت؛ چراکه روشنفکران چپ هم حضور داشتند. اما چیزی که در انقلاب فوران می‌کرد و جریان داشت، تفرکی ضداستکباری و ضدسرمایه‌داری بود. در این شکی نیست. خواسته عمومی آنها برخاسته از جریان ضداستکباری‌شان بود. به طور خاص رهبر انقلاب بحث نه شرقی و نه غربی را مطرح می‌کردند. اما برخی روشنفکران، مقداری شرق‌زدگی داشتند. به‌هرحال عموماً با استکبار مقابله داشتند. موتور محرک انقلاب نیز همین بود. اکنون که انقلاب پیروز شده، آن توقعات و انتظارات هنوز عینیت نیافته‌اند. هنوز هم در زمان حاضر عینیت نیافته است.

❧ بعد از ۴۰ سال؟

بله؛ آرزوها و نگاه‌هایی که مردم داشتند، تحقق پیدا نکرد. این بحث، هم فردی است و هم ملی. در بحث فردی، گفتمان مطرح‌شده این است که نباید فریقته شرق و غرب و اوهامات بود. درخصوص دانشگاه و حوزه هم اوضاع کاملاً مشخص بود. دانشگاه‌ها و حوزه‌ها باید فایده‌مند باشند. اما دانشگاهی که استادانش چندان نسبت دیالکتیکی با جامعه ندارند و فقط به فکر درآمد و ارتقای شغلی خودشان‌اند، چه فایده و سودی برای جامعه دارند؟ بحث ما یک بحث جهانی است؛ رابطه علم و جامعه.

ادامه در صفحه ۶



الو شرق ۰۲۶۰ ۸۸۶۴۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۰۴۶۹۹۰۳۰۰

● مترو در خدمت پول و تراکش بیشتر! مدتی قبل پیمانکار شرکت بهره‌برداری مترو به نام «توسن» تمام باجه‌های بلیت‌فروشی و شارژ بلیت ایستگاه‌ها را ملزم کرد کارت بلیت‌ها را بیش از سه هزار تومان شارژ نکنند؛ با پیگیری موضوع و انتقاد در مطبوعات، روابط عمومی این شرکت پاسخی داد مبنی بر اینکه مسافران با وجه نقدی و کارت عابربانک می‌توانند با مراجعه به فروشندگان بلیت یا از طریق دستگاه‌های دیواری به هر میزان که می‌خواهند کارت بلیت‌ها را شارژ کنند و در نتیجه برای مدتی مشکل رفع شد. این‌بار فروشندگان بلیت ملزم شده‌اند برای بالا بردن تراکش حساب مترو، کارت بلیت‌ها را با کارت عابربانک یا وجه نقد تا سقف ۱۰ هزار تومان شارژ کنند و دستگاه‌های دیواری غیرفعال شده‌اند. در برخی ایستگاه‌ها هم نوشته‌اند مسافران برای استرداد کارت بلیت‌ها به بلیت‌فروشی‌ها مراجعه کنند. طرح جدید موجب ناراضاتی مسافران و ازدحام مقابل بلیت‌فروشی‌ها شده است. باید گفت متأسفانه مسئولان مترو به‌جای اینکه به فکر آسایش و رفاه مسافران باشند، به فکر تراکش حسابشان هستند؛ به عبارتی مردم را به بازی گرفته‌اند. پیشنهاد می‌شود مسئولان رده‌بالای مترو دقایقی وقت بگذارند و به ایستگاه‌ها مراجعه کنند تا بیشتر در جریان مشکلات قرار گیرند.

علی‌اکبر فرقانی

● چرا طعم و مزه شیرهای پاستوریزه گاهی اوقات با دفعات قبلی همان محصول از همان مارک و کارخانه فرق می‌کند؟ به‌طوری‌که اغلب مزه شیر واقعی با همان رنگ و بو و غلظت و طعم بوده اما گاهی بی‌مز، رقیق، آبکی و متفاوت با همیشه است و ناخودآگاه این تصور حتما اشتباه و غلط پدید می‌آید که نکند خدای ناکرده گاهی به علل مختلف و ازجمله نرسیدن شیر به کارخانه، از مواد مصنوعی و مشابه شیر و ساختگی استفاده شده باشد؛ همان‌طور که در یک کلیپ در فضای مجازی این روش غیراصولی و ناجوانمردانه نشان داده شده بود که مطمئناً با نظارت‌های دقیق و آزمایشگاهی کارخانه و بهداشت این چنین نبوده و نیست. ضمناً بهتر است اگر از شیرخشک مجاز در تولید آن روز آن محصول استفاده شده است، روی همان پاکت یا بطری شیر درج شود.

یک مخاطب

ریموندویل

RAYMOND WEIL
GENEVE



maestro collection

SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran